

Attitudinal and Behavioral Orientations of Youth Toward the Principle of Republicanism in the Islamic Republic of Iran: A Study of Students Born in the 1990s and 2000s

Khalilollah Sardarnia¹ & Saba Moghiseh²

DOI: [10.48308/piaj.2026.241862.1788](https://doi.org/10.48308/piaj.2026.241862.1788) Received: 2025/10/8 Accepted: 2026/2/28

Original Article

Extended abstract

Introduction: This article examines the attitudinal and behavioral orientations of university students born in the 1990s and 2000s (Generations Y and Z) toward the principle of republicanism in the Islamic Republic of Iran. Focusing on students is justified by their role as an informed and influential segment of youth that decisively reproduces political discourses and shapes future societal attitudes. Against the backdrop of global transformations, the digital communication revolution, and the rise of new civic activism, concepts such as popular sovereignty, political participation, and citizenship rights have undergone critical reinterpretation. Consequently, this new generation is characterized by heightened political awareness, individualization, a demand for accountability, and sensitivity toward the efficacy of political institutions. The conceptual framework of this study is grounded in a legal–constitutional approach to republicanism. Here, republicanism is conceptualized not as a normative political theory, but as the set of institutional and legal principles enshrined in the Constitution of the Islamic Republic of Iran regarding the role of the people, elections, national rights, and institutional accountability. The research instrument is designed around these constitutional themes to avoid imposing external ideological interpretations. Drawing on New Institutionalism and the structure–agency dialectic, the study examines the relationship between the legal structure of republicanism and generational perceptions of its realization. The primary objective is to investigate students’ evaluations of the “republican pillar” and identify their expectations for its enhancement under current conditions. As a study in political sociology, the findings offer analytical rather than statistical generalizability to the broader student population.

Methods: This is a survey-analytical study with an exploratory approach. The population comprises

1. Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran. kh_sardarnia@yahoo.com
2. Master of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran. Mogheyse96@gmail.com



students born in the 1990s and 2000s at major Iranian universities, including the University of Tehran and leading institutions in Shiraz, Mashhad, Tabriz, Zahedan, Isfahan, Yazd, and Kerman. Data were collected via semi-structured interviews and open-ended questionnaires from 200 students (120 males, 80 females) using purposive sampling until theoretical saturation was reached. While the sample's geographical diversity allows for an analysis of dominant nationwide patterns, generalizing the results to the entire Iranian youth population requires caution. Data analysis was conducted using the framework of the transition from material to post-material values.

Results and discussion: Field results indicate the emergence of a critical, individualized mindset among students, where political identity is defined by personal preference alongside a demand for active participation. Key findings include: Evaluation of Republicanism and Structural Incapacity: Only 45% of respondents deemed constitutional principles regarding the “rights of the nation” to be adequate. Approximately 75% called for constitutional reform, and 70% evaluated the realization of the republican pillar negatively. Furthermore, 80% rated institutional accountability as weak, while 75% reported a lack of real influence over political decision-making. Sources of Awareness and Media Legitimacy: Over 75% of students identified foreign media and 80% cited international communication platforms as more credible sources for political and civic information. This reveals a significant gap in media legitimacy and a decline in trust toward official domestic outlets. Requirements for Strengthening Republicanism: Primary demands include the freedom and competitiveness of elections, increased official accountability, stronger independent oversight mechanisms, and educational reforms to cultivate informed, participatory citizens.

Conclusion: The findings suggest that the student generation, perceiving a gap between constitutional ideals and practical reality, is experiencing political alienation. Within this framework, loyalty to the principle of republicanism is no longer unconditional; it is “conditional loyalty” dependent on the system's performance and its responsiveness to generational demands. Continued stagnation may shift this sentiment toward “critical disengagement.” Reviving public trust requires deep structural reforms, including a reconsideration of oversight mechanisms to ensure political competition, strengthening civil society, systematic anti-corruption efforts, and expanding freedom of expression. Without such reforms—grounded in transparency, justice, and accountability—the political system risks accumulating social dissatisfaction and a further weakening of its legitimacy.

Keywords: Islamic Republic of Iran, Republican Pillar, Generations Y and Z, Students, Reconsideration, Governance Reform.

Citation: Sardarnia, Khalilollah & Moghiseh, Saba. 2026. Attitudinal and Behavioral Orientations of Youth Toward the Principle of Republicanism in the Islamic Republic of Iran: A Study of Students Born in the 1990s and 2000s, *Political and International Approaches*, Spring, Vol 18, No 1, PP 179-199.



جهت‌گیری نگرشی و رفتاری جوانان به رکن جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی ایران (دانشجویان دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰)

خلیل الله سردارنیا^۱ و صبا مقیسه^۲

DOI: [10.48308/piaj.2026.241862.1788](https://doi.org/10.48308/piaj.2026.241862.1788)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۹

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: این مقاله به بررسی جهت‌گیری‌های نگرشی و رفتاری جوانان دانشجوی متولد دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ (نسل‌های Y و Z) نسبت به رکن جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. تمرکز پژوهش بر جامعه دانشجویی از آن روست که این قشر، به‌عنوان یکی از آگاه‌ترین و اثرگذارترین گروه‌های جوانان، نقشی تعیین‌کننده در بازتولید گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی و شکل‌دهی به الگوهای نگرشی آینده جامعه ایفا می‌کند. در بستر تحولات جهانی، انقلاب ارتباطات و گسترش اشکال نوین کنشگری مدنی، مفاهیمی چون حاکمیت مردم، مشارکت سیاسی و حقوق شهروندی در معرض بازخوانی‌های انتقادی و تفاسیر جدید قرار گرفته‌اند. در این چارچوب، نسل جدید جوانان با ویژگی‌هایی همچون افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی، فردیت‌یافتگی، مطالبه‌گری و حساسیت نسبت به کارآمدی و پاسخگویی نهادهای سیاسی شناخته می‌شوند. چارچوب مفهومی پژوهش حاضر بر رویکرد حقوقی-قانون اساسی به جمهوریت استوار است. در این رویکرد، جمهوریت نه به‌مثابه یک نظریه سیاسی-هنجاری خاص، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای از اصول نهادی و حقوقی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مفهوم‌پردازی می‌شود؛ اصولی که به نقش مردم، انتخابات، حقوق ملت و پاسخگویی نهادهای حاکمیتی مربوط می‌شوند. بر این اساس، ابزار پژوهش با اتکا به مضامین مستخرج از اصول مرتبط قانون اساسی طراحی شده و تلاش شده است از تحمیل روایت‌های نظری رقیب یا خوانش‌های ایدئولوژیک از مفهوم جمهوریت پرهیز شود. این پژوهش با بهره‌گیری از ملاحظات برگرفته از نهادگرایی جدید و رویکرد ساختار/عاملیت، به بررسی نسبت میان ساختار حقوقی جمهوریت و ادراک نسلی جوانان دانشجویان از میزان تحقق آن می‌پردازد. هدف اصلی پژوهش، واکاوی نگرش‌ها و ارزیابی تحلیلی دانشجویان نسبت به کارکرد رکن جمهوریت و شناسایی بایسته‌های مورد انتظار آنان برای بازخوانی و ارتقای این رکن در شرایط کنونی است. از این منظر، پژوهش حاضر در چارچوب جامعه‌شناسی سیاسی، بر فهم تحلیلی و مفهومی نگرش‌های نسلی تمرکز دارد و نتایج آن واجد قابلیت تعمیم تحلیلی است، نه تعمیم آماری به کل جامعه دانشجویی کشور.

۱. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. kh_sardarnia@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. Mogheys96@gmail.com



روش: پژوهش حاضر از حیث روش‌شناسی، پیمایشی-تحلیلی با رویکردی اکتشافی است. جامعه آماری پژوهش را جوانان دانشجوی متولد دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ تشکیل می‌دهند که در دانشگاه‌های بزرگ و معتبر کشور، از جمله مجموعه دانشگاه‌های تهران و دانشگاه‌های مادر در شهرهایی نظیر شیراز، مشهد، تبریز، زاهدان، اصفهان، یزد و کرمان، در حال تحصیل بوده‌اند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه‌های با پاسخ باز از ۲۰۰ نفر از دانشجویان (۱۲۰ مرد و ۸۰ زن) گردآوری شده است. انتخاب نمونه‌ها به صورت هدفمند و بر اساس اصل اشباع نظری انجام گرفته است. تنوع جغرافیایی و دانشگاهی نمونه‌ها، امکان تحلیل الگوهای نگرشی غالب در میان جوانان دانشجوی کشور را فراهم ساخته، هرچند تعمیم نتایج به کل جمعیت جوانان ایران نیازمند احتیاط روش‌شناختی است. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری گذار از ارزش‌های مادی به فرامادی و نسبت ساختار و عاملیت، در قالبی تحلیلی-مفهومی صورت پذیرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های میدانی پژوهش حاکی از شکل‌گیری نوعی ذهنیت انتقادی و فردیت‌یافته در میان جوانان دانشجوی است، ذهنیتی که در آن، سبک زندگی و هویت سیاسی بر اساس ترجیحات فردی تعریف می‌شود و هم‌زمان مطالبه مشارکت فعال در فرآیندهای سیاسی وجود دارد. مهم‌ترین یافته‌ها عبارت‌اند از:

ارزیابی جمهوریت و ناتوانی ساختاری: تنها ۴۵ درصد از پاسخ‌گویان، اصول حقوق ملت در قانون اساسی را از کفایت لازم برخوردار دانسته‌اند. حدود ۷۵ درصد خواهان اصلاح قانون اساسی بوده و ۷۰ درصد میزان تحقق رکن جمهوریت را منفی ارزیابی کرده‌اند. همچنین، ۸۰ درصد پاسخگویی نهادهای حاکمیتی را ضعیف دانسته و ۷۵ درصد احساس فقدان تأثیرگذاری واقعی در فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی را گزارش کرده‌اند.

منابع آگاهی و مرجعیت رسانه‌ای: بیش از ۷۵ درصد از دانشجویان، رسانه‌های خارجی و حدود ۸۰ درصد پلتفرم‌های ارتباطی خارجی را منابع معتبرتری برای پیگیری مسائل سیاسی و مدنی معرفی کرده‌اند. این امر نشان‌دهنده شکاف معنادار در مرجعیت رسانه‌ای و تضعیف اعتماد به رسانه‌های رسمی داخلی است.

بایسته‌های ارتقای جمهوری مهم‌ترین مطالبات دانشجویان برای تقویت جمهوریت شامل آزادی و رقابتی شدن انتخابات، افزایش پاسخگویی مسئولان، تقویت سازوکارهای نظارتی مستقل و اصلاح نظام آموزشی در جهت پرورش شهروندان آگاه و مشارکت‌جو بوده است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نسل جوان دانشجوی، در پرتو ادراک انتقادی از ناکارآمدی ساختاری و فاصله میان اصول حقوقی جمهوریت و تحقق عملی آن، با نوعی بیگانگی سیاسی مواجه شده است. در این چارچوب، وفاداری به جمهوریت دیگر امری بدیهی و پیشینی تلقی نمی‌شود، بلکه به صورت وفاداری مشروط و وابسته به عملکرد نظام سیاسی و میزان پاسخگویی آن به مطالبات اجتماعی و نسلی بازتعریف شده است. استمرار وضعیت موجود، می‌تواند این وفاداری مشروط را به سوی نوعی «عبور انتقادی» سوق دهد. بازسازی اعتماد عمومی و احیای کارکرد جمهوریت، مستلزم انجام اصلاحات ساختاری عمیق است. از جمله مهم‌ترین الزامات این فرایند می‌توان به تجدیدنظر در سازوکارهای نظارتی به منظور تضمین رقابت سیاسی، تقویت استقلال نهادهای مدنی، مبارزه نظام‌مند با فساد، و گشودن فضای گفت‌وگو و آزادی بیان اشاره کرد. در غیاب چنین اصلاحاتی که در چارچوب شفافیت، عدالت و پاسخگویی صورت گیرد، نظام سیاسی با خطر انباشت نارضایتی اجتماعی و تضعیف مشروعیت مواجه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، رکن جمهوریت، نسل Y و Z، دانشجویان، بازان‌دیشی، اصلاح حکمرانی.

استناددهی: سردارنیا، خلیل‌الله و مقیسه، صبا. ۱۴۰۵. جهت‌گیری نگرشی و رفتاری جوانان به رکن جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی ایران (دانشجویان دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰)، بهار، سال ۱۸، شماره ۱، ۱۷۹-۱۹۹.

مقدمه

در عصر معاصر و با شتاب تحولات سیاسی-اجتماعی و گسترش انقلاب ارتباطات، مفاهیم جدید شهروندی و اشکال نوین کنشگری مدنی مطرح شده و به تدریج از سطح نظری فراتر رفته و به مطالبه‌ای ملی و جهانی تبدیل شده‌اند. این تغییرات، چالش‌های جدی برای الگوهای کلاسیک دموکراسی و حکمرانی ایجاد کرده و گذار به سمت حکمرانی تعاملی و پاسخگو با جامعه و شهروندان را ضروری ساخته است. از این رو، بازخوانی انتقادی لیبرالیسم و جمهوری‌خواهی، به‌ویژه نسبت به قاعده اکثریت و حقوق اقلیت‌ها، اهمیت یافته است. با توجه به رویکردهای پساساختارگرایی و نهادگرایی جدید، نهادها و قواعد سیاسی اموری ثابت نیستند و در تعامل با تحولات نسلی و تغییرات معرفتی بازتعریف می‌شوند. در این چارچوب، الگوهای دموکراسی، حکمرانی و مفاهیم لیبرالیسم و جمهوری‌خواهی نیز در مواجهه با نسل‌های جدید شهروندان نیازمند بازخوانی‌اند. همچنین، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر از پارادایم دولت‌محور به سمت حکمرانی شهروندمحور و نقش برجسته کنشگری انتقادی شهروندان و شبکه‌های اجتماعی حرکت کرده است.

یکی از محورهای مهم این تغییرات، شکاف نسلی است؛ نظریه شکاف بین‌نسلی نشان می‌دهد که نسل‌ها بر اساس تجربه‌های تاریخی متفاوت، نظام‌های ارزشی و نگرشی متمایزی شکل می‌دهند. این چارچوب برای فهم تحولات سیاسی معاصر، از جمله در ایران، قابل استفاده است. در این میان، شبکه‌های اجتماعی نقش محوری در دگرذیسی شناختی و سیاسی نسل‌های Y و Z داشته و بستر اصلی کنشگری مدنی و سیاسی آن‌ها شده است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، جمهوریت و اسلامیت دو رکن اساسی‌اند که جمهوریت در ذیل اسلامیت تعریف شده است. با وجود تأکید انقلاب اسلامی بر تحقق آرمان‌های مشروطه و نقش مردم در حکومت، قرائت‌های متفاوتی از جمهوریت در دهه‌های پس از انقلاب شکل گرفته است، از جمله گرایش جوانان به گفتمان اصلاحات و ظهور قرائت‌های انتقادی‌تر از جمهوری‌خواهی در نسل‌های جدید.

مسئله اصلی پژوهش این است که جوانان دانشجوی متولد دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ (نسل‌های Y و Z) چه ارزیابی‌های تأییدی یا انتقادی از اصول قانون اساسی مرتبط با جمهوریت دارند و مهم‌ترین بایسته‌های مطلوب آن‌ها برای بازخوانی و ارتقای رکن جمهوریت در شرایط کنونی چیست؟

۱. پیشینه پژوهش

مرور متون و پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مطالعات انجام‌شده درباره جمهوریت در ایران، عمدتاً بر تحلیل‌های نظری، حقوقی و گفتمانی متمرکز بوده‌اند. این مطالعات را می‌توان در چند محور اصلی دسته‌بندی کرد. محور نخست، به تحلیل نظری نسبت اسلامیت و جمهوریت اختصاص دارد. در این چارچوب، پژوهش‌هایی همچون پایان‌نامه استوار مسعود (۱۴۰۱) و هندی (۱۳۹۹)، با بهره‌گیری از رویکردهای هرمنوتیکی و حقوقی، به بررسی چگونگی صورت‌بندی جمهوریت و نسبت آن با ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره) و متن قانون اساسی پرداخته‌اند. همچنین پالیزبان (۱۳۸۸) با تمرکز بر ظرفیت گفتمان‌سازی جمهوری اسلامی، به امکان مفصل‌بندی تئوریک این گفتمان در مواجهه با بی‌قراری‌ها و چالش‌های درون‌گفتمانی اشاره کرده است.

محور دوم پژوهش‌ها، به سیر تحول تاریخی و گفتمانی جمهوری‌خواهی در ایران و نقد کارکردهای آن اختصاص دارد. در این زمینه، مطالعاتی نظیر عظیم‌ما (۱۳۹۰) و کریمی (۱۳۸۷)، روند شکل‌گیری و تحول مفهوم جمهوری‌خواهی از دوره قاجار تا استقرار جمهوری اسلامی را بررسی کرده و نشان داده‌اند که این مفهوم در هر دوره تاریخی، متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی، قرائت‌ها و کارکردهای متفاوتی یافته است. محور سوم، شامل تحلیل‌های انتقادی از وضعیت تحقق جمهوریت در جمهوری اسلامی ایران است. در این چارچوب، حجاریان (۱۳۷۹) بر ضرورت التزام عملی به جمهوریت و اجتهاد پویا در فهم و اجرای آن تأکید می‌کند، در حالی که مصلی‌نژاد (۱۳۹۸) بر این باور است که برخی زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی هنوز با الزامات جمهوری‌خواهی نهادی سازگار نشده‌اند.

در کنار این آثار، بخشی از مطالعات منتشرشده در فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی نیز به بررسی ابعاد مختلف جمهوریت، مشارکت سیاسی، نظام انتخاباتی و نسبت دولت و جامعه در جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها، با تمرکز بر کارکرد نهادهای انتخابی، الگوهای مشارکت سیاسی و چالش‌های نهادی، تصویری از محدودیت‌ها و ظرفیت‌های تحقق جمهوریت در سطح نهادی و ساختاری ارائه می‌دهند (اطاعت و نصرتی، ۱۴۰۲؛ علی‌خواجه‌نایینی، ۱۴۰۲). با وجود اهمیت این مطالعات، تمرکز اصلی آن‌ها عمدتاً بر تحلیل‌های نهادی، حقوقی یا کلان‌ساختاری بوده و کمتر به ادراک، تجربه زیسته و ارزیابی نسل‌های جدید، به‌ویژه جوانان دانشجوی، از میزان تحقق جمهوریت پرداخته شده است. نوآوری پژوهش در انجام یک مطالعه مستقل میدانی است که جهت‌گیری‌های نگرشی و رفتاری این نسل‌ها، آسیب‌شناسی جمهوریت و ارزیابی میزان تحقق آن را تحلیل می‌کند.

۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر یک روایت نهادی-حقوقی از جمهوریت استوار است. در این روایت، جمهوریت نه به‌مثابه یک نظریه هنجاری یا ایدئولوژیک خاص، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای از سازوکارهای حقوقی و نهادی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته می‌شود که هدف آن تضمین نقش مردم در مشروعیت‌بخشی، جهت‌دهی و نظارت بر قدرت سیاسی است. بر این اساس، جمهوریت در این پژوهش از طریق سه مؤلفه اصلی قابل فهم است: نخست، حقوق شهروندی به‌عنوان بنیان مشارکت و مطالبه‌گری؛ دوم، سازوکارهای نهادی مشارکت سیاسی همچون انتخابات و نظارت عمومی؛ و سوم، دگردیسی‌های نگرشی نسل جدید به‌مثابه عامل فعال در بازخوانی و اصلاح این سازوکارها. ارتباط این مؤلفه‌ها با یکدیگر، چارچوب تحلیلی پژوهش را شکل می‌دهد و مبنای تفسیر نگرش‌ها و کنش‌های جوانان دانشجوی قرار می‌گیرد.

۱-۲ «شهروندی» در دو مدل یا الگوی لیبرال و جمهوری

«جمهوریت»: جمهوری شکلی از حکومت است که در آن، مردم قدرت نهایی را در فرآیندهای تصمیم‌گیری در اختیار دارند و رهبران و مدیران به نمایندگی از سوی مردم، نقش خود را ایفا می‌کنند. «شهروندی»

مفهومی است که بر روابط دولت و شهروندان و حقوق و تعهدات متقابل آن دو اطلاق می‌شود و حقوق شهروندی در چارچوب تابعیت، دولت-ملت دموکراتیک و وابستگی مدنی افراد به دولت ملی اعطا شده و موضوعیت می‌یابند که در سه زیرمجموعه حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی تقسیم می‌شوند. حقوق شهروندی به معنی برخورداری عادلانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی صرف نظر از تعلقات یا وابستگی‌های طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی است (توسلی و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۵).

آتونی گیدنز، شهروندان را به عنوان افرادی تلقی می‌کند که در محدوده مرزهای یک نظام سیاسی دارای حقوق و وظایف مشترک هستند و خودشان را جزئی از یک ملت می‌دانند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۴۱). تی. اچ. مارشال، نظریه پرداز حقوق روندی، سه نوع حقوق را بر می‌شمارد که عبارتند از: ۱. «حقوق مدنی» با مصادیقی همچون: آزادی افراد برای انتخاب محل زندگی، آزادی بیان و مذهب، حق مالکیت، حق دادرسی یکسان در دادگاه‌ها، عدم تبعیض مذهبی، قومی و زبانی، مصونیت از تعرض و مانند آن. ۲. «حقوق سیاسی» با مصادیقی همچون حق رای، حق کاندیدا شدن، آزادی در انتقاد از حکومت، مشارکت سیاسی، شرکت و تشکیل اجتماعات و احزاب سیاسی و مانند آن. ۳. «حقوق اجتماعی» با مصادیقی همچون برخورداری از تسهیلات و استانداردهای رفاهی، مسکن، تامین اجتماعی، فرصت‌های شغلی، بیمه‌های بیکاری، آموزش رایگان و مانند آن (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۴۱).

در مدل جمهوری خواهی، آزادی شهروندان نوعی آزادی مثبت، قاعده‌مند و منوط به رعایت حقوق دیگران و مصالح جمعی است. حقوق سیاسی شهروندان در قالب مشارکت جمعی در اجتماعات، احزاب و رسانه‌ها شناخته می‌شود و تصمیمات باید در راستای منافع عمومی و همه گروه‌ها باشد. در این رویکرد، اصالت با جامعه است و هویت افراد در بستر اجتماعی شکل می‌گیرد؛ عضویت در جامعه و ایفای وظایف، شهروند را می‌سازد. در گفتمان شهروندی جمهوری خواهی مدنی و جدید، شهروندی تنها یک شأن حقوقی نیست، بلکه الزام و توانمندی کنشگری است و تحقق آن مستلزم داشتن فضیلت‌های اخلاقی-اجتماعی در راستای آرمان دموکراسی است.

۲-۲. دگردیسی نگرشی شهروندی به مثابه پشتوانه عاملیت موثر شهروندی در بازخوانی زمانمند ساختارها

در چارچوب رویکرد «نهادگرایی جدید»، نهادها و ارکان جمهوری و لیبرالی نظام سیاسی، ثابت نیستند و بسته به تحولات نگرشی و فکری، ناکارکردی قوانین و ساختارهای اساسی حکمرانی و تغییرات نگرشی و نسلی، به ناگزیر بایستی در معرض تغییر و اصلاحات با نقش آفرینی عاملیتی به نام شهروندی فعال در قالب جنبش‌های اجتماعی و جامعه مدنی قرار گیرند. چهار عنصر برای یک شهروند مطلوب در نقش آفرینی به عنوان عاملیت یا کارگزار خلاق و اثرگذار در بازآفرینی زمینه و زمانمند نظام سیاسی و ارکان جمهوری و قانون اساسی عبارتند از دانش، تفکر، تعهد و عمل. آموزش در سطح جامعه شهری، شهروندان را به دانش و درک مهارت‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌ها مجهز ساخته و آنها را قادر می‌سازد تا مشارکتی فعالانه و معقول در سطح جامعه شهری به عهده بگیرند.

در تقسیم‌بندی آلموند و همکارانش از فرهنگ سیاسی، انگاره‌ها نیز در سه ساحت گوناگون سیستمی (شناختی - معرفتی و قضاوتی - احساسی)، رفتاری و سیاستگذاری قابل طرح هستند؛ بر همین اساس، ایستارها یا انگاره‌ها هم در ساحت رفتاری و مشارکت سیاسی - اجتماعی فردی، گروهی و ملی مطرح و تاثیر گذار هستند. انگاره‌ها بر روابط سیاسی افراد نیز تاثیرگذارند و کشورها مناسبات خود را طبق همین انگاره‌ها شکل می‌دهند. نظریه پردازان در رویکرد نوسازی در بررسی دگردیسی نگرشی و فکری پیشگام بوده‌اند. از نظر دانیل لرنر تحولات ساختاری نوین همچون شهرنشینی، آموزش یا تحصیلات نوین و دسترسی گسترده به رسانه‌های جمعی به اشاعه و گسترش افکار، اندیشه‌ها و نگرش‌های نوین دموکراتیک و مدنی و به طور کلی به انسان مدرن با انگاره‌ها و ایستارهای نوین دموکراتیک و مشارکتی می‌انجامند (-lerner, 1958:48). (49).

کارل دویچ بر این نظر است که تحولات ساختاری در زمینه شهرنشینی، صنعتی شدن، رسانه‌های جمعی و تحرك جغرافیایی به گسترش تحرك یا بسیج اجتماعی و مشارکت، کنار زده شدن ارزشها و نگرش‌های کهنه اجتماعی و سنتها و پذیرش ارزشها و انگاره‌های سیاسی و اجتماعی جدید و الگوهای نوین رفتاری و مشارکتی می‌انجامند (Diamond, 1994:2). از دید رونالد اینگلهارت، اعتماد و نگرش‌ها یا انگاره‌های دموکراتیک و تعهد عمومی به نهادهای دموکراتیک در پایداری و تکامل دموکراسی مهم هستند (اینگلهارت، ۱۳۷۲: ۲۶). او بر این اعتقاد است که با گسترش دگرگونی‌ها در ساختارهای یاد شده (ارتباطی - آموزشی و غیره) نگرش‌های نوین، اشاعه یافته و سطح سواد، آگاهی و اطلاعات سیاسی افزایش می‌یابد (Ingelhart, 1988: 1219). اینگلهارت مانند پرزورسکی بر نقش توسعه و کارآمدی اقتصادی در تداوم و تحکیم دموکراسی و مشروعیت آنها یعنی انگاره و ایستارهای شناختی و احساسی مثبت تأکید می‌کند (دیاموند، ۱۳۸۴: ۱۸۱).

۲-۳. نگاه کوتاه نظری به شکاف نسلی

از دهه ۲۰۰۰ میلادی به این سو، تغییر محیط رسانه‌ای و ظهور وب دو (ظهور اپلیکیشن‌های مبتنی بر وب)، حضور نسل‌های Y و Z را در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها افزایش داده و فاصله آن‌ها از رسانه‌های سنتی بیشتر شده است. ظهور شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، اینستاگرام، تلگرام، تویتر و واتساپ، نقطه‌ی عطفی در زندگی این نسل‌ها بوده و منجر به تغییرات شناختی، فرهنگی، سیاسی و رفتاری و تمایز جدی آنان از نسل‌های پیشین شده‌اند. نسل کنونی جوانان به ویژه متولدین دهه ۱۳۸۰، به‌عنوان نسل شبکه‌های اجتماعی با ویژگی‌هایی همچون آگاهی سیاسی و اجتماعی فزاینده، مطالبه‌گری، هویت‌یابی شبکه‌ای و تمایل به حکمرانی تعاملی و مشارکتی مستقیم شناخته می‌شود. ظهور این نسل و انتظارات فزاینده آن‌ها، حکمرانی کلاسیک یک‌سویه را با چالش جدی مواجه کرده و ضرورت حکمرانی خوب مبتنی بر تعامل با جامعه به‌ویژه جوانان تحصیلکرده را افزایش داده است.

«شکاف نسلی» به تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری بین نسل‌های حاضر در خانواده، با وجود پیوستگی‌های کلان ناشی از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی اشاره دارد و بر منافع، مطالبات و سوگیری‌های نامتجانس و ناسازگار میان نسل‌ها دلالت دارد. نظریه شکاف بین نسلی توسط کارل مانهایم

و مارگارت مید^۱ برای درک تفاوت‌های ارزشی، نگرشی، بینشی و رفتاری نسل‌های پیش و پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد. از دیدگاه آن‌ها، این دو نسل در دو جهان کاملاً متفاوت زندگی و تجربه کرده‌اند (پناهی، ۱۳۹۳: ۱۰). مید و مانهایم، شکاف نسلی را در دو قالب تبار و چرخه زندگی توضیح می‌دهند. در «رویکرد تباری^۲»، تمرکز بر تداوم و انتقال ارزش‌ها، باورها و سنت‌ها از نسلی به نسل دیگر در طول زمان است.

در «رویکرد چرخه زندگی^۳»، نسل به گروه جمعیتی از افرادی اطلاق می‌شود که در شرایط مشخص تکنولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی و فکری و بحران‌های خاص، تجربه‌های زیستی مشترکی دارند که آن‌ها را از نسل یا نسل‌های پیشین متمایز می‌سازد (Stoker, 2014: 378).

در ادبیات علوم اجتماعی، نسل‌ها به پنج گروه اصلی تقسیم می‌شوند: ۱. «سنت‌گرایان» (نسل پیش از جنگ جهانی دوم): این نسل دارای باورهای سنتی مانند جمع‌گرایی، احترام به مقامات و بزرگ‌ترها و ساختارهای اجتماعی بودند و بحران‌های بزرگی مانند رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ را تجربه کردند. ۲. «پرنوزادها^۴» (بومرها) (متولدین ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۴)، این نسل که پس از جنگ جهانی دوم و در دوره انفجار جمعیت متولد شدند، دارای ویژگی‌هایی مانند باور به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مرتبط با مصالح جمعی، خوش‌بینی و برخی تفاوت‌های نسلی ارزشی با والدین خود بودند. ۳. «نسل X» (متولدین ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۹)، این نسل در فضای اقتصادی و اجتماعی مدرن و رفاه پس از مشکلات اقتصادی جنگ جهانی دوم زندگی کردند و از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی^۵ مانند کرامت انسانی، آزادی‌های اجتماعی و سیاسی، آزادی در انتخاب سلیقه و سبک زندگی، محیط‌زیست سالم و استقلال فردی و گروهی گرایش یافتند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۳-۷۵).

«نسل هزاره» (متولدین ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴)، دل‌مشغولی و احساس تهدید بالایی نسبت به مسائلی مانند گرمایش جهانی، حملات تروریستی، تیراندازی در مدارس و بی‌ثباتی اقتصادی داشتند، اما همچنان به داشتن زندگی بهتر خوش‌بین بودند. ۵. «نسل Z» (متولدین پس از ۱۹۹۵): این نسل به عنوان «بومی‌های دیجیتال^۶» یا ساکنان فضای شبکه‌ای شناخته می‌شوند (Anderson & et al., 2021: 24-25). آن‌ها از نظر ارزش‌ها، نگرش‌ها، نوع مصرف رسانه‌ای و نوع مشارکت سیاسی با نسل‌های پیش از خود، به‌ویژه سنت‌گرایان، بومرها و تا حدی نسل X دارای شکاف نسلی هستند.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی-تحلیلی با رویکرد اکتشافی است. جامعه آماری شامل دانشجویان متولد دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ از دانشگاه‌های معتبر کشور است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و

1. M.Mead
2. Lineage
3. Life Cycle
4. Baby boomer
5. Post material values
6. Digital Natives

پرسشنامه‌های باز با ۲۰۰ دانشجو (۱۲۰ مرد و ۸۰ زن) جمع‌آوری شده و نمونه‌گیری هدفمند بر اساس اشباع نظری انجام شده است. تنوع جغرافیایی و دانشگاهی نمونه‌ها امکان تحلیل الگوهای نگرشی جوانان را فراهم کرده، اما تعمیم نتایج به کل جمعیت جوانان ایران با احتیاط همراه است. تحلیل داده‌ها به صورت تحلیلی-مفهومی و با استفاده از چارچوب‌های نظری گذار از ارزش‌های مادی به فرامادی و نسبت ساختار و عاملیت انجام شده است.

مصاحبه‌ها با استفاده از پرسش‌نامه نیمه‌ساختاریافته در شش بخش طراحی شده بود. بخش اول به پیشینه فعالیت‌های مدنی و سیاسی مصاحبه‌شوندگان اختصاص داشت و چهار پرسش در خصوص مشارکت در تشکل‌ها و حضور در اعتراضات مدنی را دربرمی‌گرفت. بخش دوم به نگرش‌ها و ارزش‌های مرتبط با گفتمان جمهوریت و برداشت از مفهوم جمهوریت با نگاه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اختصاص داشت و شامل پنج پرسش بود. بخش سوم تأثیر فضای مجازی بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی جوانان را مورد بررسی قرار می‌داد و شامل سه پرسش درباره میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تأثیر آن‌ها بر نگرش‌های سیاسی و نوع تعاملات در فضای مجازی بود. بخش چهارم به ارزیابی دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان درباره تحولات سیاسی و اجتماعی اخیر، به‌ویژه اعتراضات دهه ۱۳۹۰ و تأثیر آن‌ها بر نگرش نسبت به جمهوریت اختصاص داشت. در جدول ۱، آمار توصیفی جامعه آماری پژوهش ارائه شده است.

| مقطع تحصیلی | مرد | زن | جمع | درصد |
|---------------|-----|----|-----|------|
| کارشناسی | ۴۲ | ۳۲ | ۷۴ | ۳۷ |
| کارشناسی ارشد | ۴۸ | ۳۲ | ۸۰ | ۴۰ |
| دکتری | ۲۰ | ۲۰ | ۴۰ | ۲۰ |
| جمع کل | ۱۲۰ | ۸۴ | ۲۰۰ | ۱۰۰ |

۴. یافته‌های میدانی پژوهش

در این قسمت، یافته‌های میدانی پژوهش در سه زیرمجموعه نگرش سنجی سیاسی - اجتماعی، ارزیابی دیدگاه‌ها نسبت به کم و کیف اجرای رکن جمهوریت و پیشنهادات برای ارتقای عینیت یافتگی یا تحقق بهتر رکن جمهوریت، طرح می‌شوند.

۴-۱. سنجه‌های نگرشی

| جدول ۲: توزیع فراوانی سنجه‌های مربوط به سبک زندگی و نگرش‌های فردی (به درصد) | | | | | |
|---|--------------|-------|------------|-------|--------------|
| سنجه‌ها | کاملاً موافق | موافق | نظری ندارم | مخالف | کاملاً مخالف |
| انتخاب سبک زندگی وضعیت مند نسلی | ۳۵ | ۴۰ | ۱۵ | ۷ | ۳ |
| اولویت حجاب درونی به پوشش ظاهری | ۲۲ | ۳۰ | ۱۸ | ۲۰ | ۱۰ |
| تفاوت نسلی در معیارهای زندگی | ۴۲ | ۳۸ | ۱۰ | ۷ | ۳ |
| تعداد | ۱۹۸ | ۲۱۶ | ۸۶ | ۶۸ | ۳۲ |

یافته‌های میدانی مربوط به سبک زندگی نشان می‌دهد که بخش بزرگی از جوانان یا پاسخگویان (۷۵ درصد) در شکل‌دهی به سبک زندگی خود، بیش از آنکه تابع هنجارهای سنتی باشند، به ترجیحات شخصی و مقتضیات نسلی توجه دارند. این گرایش به استقلال فردی و انتخاب الگوهای فرهنگی مدرن، می‌تواند به بازتعریف هویت‌های اجتماعی منجر شده و در عین حال، شکاف‌های نسلی و فرهنگی را تشدید کند. ۵۲ درصد از جوانان، ارزش‌های درونی مانند اخلاق فردی و حجاب باطنی را مهم‌تر از ظاهر می‌دانند و نسبت به معیارهای سنتی مقاومت نشان می‌دهند، در حالی که ۳۰ درصد همچنان به ظاهر و پوشش به عنوان شاخص هویت اجتماعی وفادار هستند.

| جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخ‌ها به سنجه‌های مربوط به آزادی بیان و کنشگری اجتماعی | | | | | |
|--|--------------|-------|------------|-------|--------------|
| سنجه‌ها | کاملاً موافق | موافق | نظری ندارم | مخالف | کاملاً مخالف |
| آزادی بیان بی‌توجه به قانون مساوی با بی‌نظمی | ۱۵ | ۲۰ | ۲۵ | ۲۵ | ۱۵ |
| ضرورت مطالبات مدنی در کنار مطالبات اقتصادی | ۴۰ | ۳۵ | ۱۵ | ۷ | ۳ |
| ضرورت شنیده شدن صدای نسل جدید | ۵۰ | ۳۰ | ۱۰ | ۶ | ۴ |

یافته‌های مربوط به آزادی بیان، مطالبات مدنی و نقش‌آفرینی در تصمیم‌گیری‌ها نشان می‌دهند که ۴۰ درصد از آنان آزادی بیان را عنصر کلیدی دموکراسی می‌دانند، در حالی که ۳۵ درصد نگران بی‌ثباتی ناشی از آزادی‌های گسترده در چارچوب‌های محدودکننده قانونی هستند، ۷۵ درصد از جوانان بر اهمیت مطالبات مدنی در کنار مسائل اقتصادی تأکید دارند و ۸۰ درصد خواهان مشارکت مؤثرتر نسل خود در فرآیندهای تصمیم‌گیری هستند.

| جدول ۳: توزیع فراوانی سنجه‌های مربوط به باور دانشجویان به اصول حقوق شهروندی در قانون اساسی | | | | | |
|--|--------------|-------|------------|-------|--------------|
| سنجه‌ها | کاملاً موافق | موافق | نظری ندارم | مخالف | کاملاً مخالف |
| فرصت‌های برابر برای همه گروه‌ها | ۲۸ | ۳۲ | ۲۰ | ۱۲ | ۸ |
| کفایت اصول حقوق ملت در قانون اساسی | ۲۰ | ۲۵ | ۲۲ | ۱۸ | ۱۵ |
| ضرورت اصلاح زمانمند اصول قانون اساسی | ۴۵ | ۳۰ | ۱۲ | ۸ | ۵ |
| امید سازی به اثربخشی شهروندان | ۳۵ | ۳۰ | ۲۰ | ۱۰ | ۵ |
| کفایت حقوق شهروندی در قانون اساسی | ۲۵ | ۳۰ | ۲۰ | ۱۵ | ۱۰ |
| جایگاه عدالت اجتماعی در قانون اساسی | ۱۸ | ۲۸ | ۲۰ | ۲۲ | ۱۲ |

یافته‌های مرتبط با سنجه باور دانشجویان به اصول حقوق ملت و جمهوریت در قانون اساسی نشان می‌دهند که ۶۰ درصد از جوانان، اصول مربوط به فرصت‌های برابر در قانون اساسی را به صورت نسبی همراه با انتقادات نسبت به موانع ساختاری فراروی تحقق عدالت اجتماعی ارزیابی کرده‌اند. تنها ۴۵ درصد از جوانان به کفایت اصول حقوق ملت در قانون اساسی اشاره کرده‌اند که نشان‌دهنده نارضایتی از وضعیت حقوق شهروندی و عدم تحقق عملی آن‌هاست. ۷۵ درصد از جوانان خواهان اصلاح قانون اساسی هستند، با این حال، ۶۵ درصد علی‌رغم نارضایتی‌ها، به امکان تغییر از درون سیستم و استفاده از ظرفیت‌های قانونی باور دارند. تنها ۴۶ درصد از جوانان معتقدند اصول عدالت اجتماعی به درستی در قانون اساسی منعکس شده‌اند و ۳۲ درصد بر ناکافی بودن این اصول تأکید دارند. افزون بر این، ۷۸ درصد از جوانان ضرورت نهادینه‌سازی حقوق شهروندی و تقویت آن را در شرایط کنونی مورد تأکید قرار داده‌اند. در همین حال، تنها ۴۷ درصد قانون اساسی را با نیازها و اقتضائات نسل جدید متناسب دانسته‌اند که نشانگر شکاف نسلی و ضرورت اصلاحات ساختاری است.

۴-۲. منابع باوری - نگرشی

| جدول ۴: نگرش جوانان نسبت به شبکه‌های خبری و اجتماعی داخلی | | | | | |
|--|--------------|-------|------------|-------|--------------|
| سنجه‌ها | کاملاً موافق | موافق | نظری ندارم | مخالف | کاملاً مخالف |
| شبکه‌های خبری و اجتماعی داخلی منابع اعتماد پذیر با محتوای خوب در آگاهی سیاسی و اجتماعی | ۳۰ | ۲۵ | ۱۵ | ۲۰ | ۱۰ |

| | | | | | |
|----|----|----|----|----|---|
| ۱۰ | ۱۵ | ۲۰ | ۳۰ | ۲۵ | ترجیح شبکه‌های داخلی برای آگاهی حقوق شهروندی، |
| ۱۰ | ۱۵ | ۲۵ | ۳۰ | ۲۰ | اولویت استفاده از پلتفرم‌های داخلی |

جدول ۵: نگرش جوانان نسبت به شبکه‌های خبری و اجتماعی خارجی

| کاملاً مخالف | مخالف | نظری ندارم | موافق | کاملاً موافق | سنجه‌ها |
|--------------|-------|------------|-------|--------------|--|
| ۵ | ۱۰ | ۱۰ | ۳۵ | ۴۰ | شبکه‌های خارجی، منابع اعتماد پذیر با محتوای خوب در آگاهی سیاسی - اجتماعی |
| ۱۰ | ۱۰ | ۱۵ | ۳۰ | ۳۵ | ترجیح شبکه‌های خارجی برای آگاهی حقوق شهروندی، |
| ۵ | ۵ | ۱۰ | ۳۰ | ۵۰ | اولویت استفاده از پلتفرم‌های خارجی |

یافته‌های دو جدول ۴ و ۵ نشان می‌دهند که بیش از ۷۵ درصد از جوانان رسانه‌های خارجی را منابع معتبرتری نسبت به رسانه‌های داخلی می‌دانند و برای پیگیری مسائل حقوق مدنی و شهروندی، ۶۵ درصد ترجیح می‌دهند از شبکه‌های خارجی استفاده کنند. این تمایل گسترده، نشانه‌ای از شکاف رسانه‌ای در کشور و بیانگر ناتوانی رسانه‌های داخلی در پاسخ‌گویی به نیازهای اطلاعاتی و هویتی نسل جوان محسوب می‌شود. جوانان دلیل گرایش خود به رسانه‌های خارجی را سانسور، عدم شفافیت و نبود پوشش جامع مسائل سیاسی و اجتماعی در رسانه‌های داخلی می‌دانند. در این میان، استفاده ۸۰ درصدی از پلتفرم‌های خارجی مانند اینستاگرام، توئیتر و تلگرام نشان‌دهنده دیجیتالی شدن آگاهی‌بخشی و تقویت گفتمان‌های جهانی در میان نسل جوان است.

جدول ۶: کارکردهای رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در حوزه شهروندی

| بی‌اهمیت | کم‌اهمیت | تا حدی مهم | مهم | بسیار مهم | سنجه‌ها |
|----------|----------|------------|-----|-----------|--------------------------|
| ۲ | ۳ | ۱۰ | ۲۵ | ۶۰ | آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی |
| ۲ | ۳ | ۱۰ | ۳۰ | ۵۵ | توانمندسازی مدنی |
| ۲ | ۳ | ۱۰ | ۳۵ | ۵۰ | بسیج اجتماعی |

یافته‌های جدول ۷ نشان می‌دهند که آگاهی‌بخشی، توانمندسازی مدنی و بسیج اجتماعی، هر کدام با ۸۵ درصد، مهم‌ترین نقش‌های رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در زندگی نسل جوان هستند.

۴-۳. ارزیابی میزان تحقق حقوق شهروندی، آزادی بیان و مشارکت مدنی در واقعیت

| جدول ۷: ارزیابی میزان تحقق حقوق شهروندی، آزادی بیان و مشارکت مدنی | | | | | |
|---|------------|------|-------|----|----------|
| سنجش‌ها | بسیار زیاد | زیاد | متوسط | کم | بسیار کم |
| استقلال و آزادی فعالیت نهادهای مدنی در ایران از دهه ۱۳۹۰ به این سو | ۵ | ۱۰ | ۲۰ | ۳۰ | ۳۵ |
| آزادی بیان و نقد به عنوان یک مقوله حقوق شهروندی | ۵ | ۱۰ | ۲۰ | ۲۵ | ۴۰ |
| نظارت‌پذیری و پاسخگویی نهادهای دولتی در قبال مردم و جامعه مدنی | ۲ | ۳ | ۱۵ | ۳۰ | ۵۰ |
| احساس توانمندی و تاثیرگذاری بر تصمیمات و پاسخگویی بر حکومت | ۳ | ۷ | ۱۵ | ۳۰ | ۴۵ |
| میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی جوانان و شهروندان | ۵ | ۱۵ | ۲۵ | ۲۵ | ۳۰ |
| ارزیابی کلی از تحقق فرصت‌های برابر و قانونمندی در عرصه‌های مختلف | ۵ | ۱۰ | ۲۰ | ۳۰ | ۳۵ |
| میزان تحقق‌یافتگی رکن جمهوریت در یک دهه اخیر با محوریت حقوق شهروندی | ۳ | ۷ | ۲۰ | ۳۰ | ۴۰ |

بر اساس یافته‌های جدول ۷ اکثریت جوانان، تحقق استقلال و آزادی فعالیت نهادهای مدنی در واقعیت در ایران کنونی را در سطح بسیار پایین ارزیابی کرده‌اند. بیش از ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان، نظارت‌پذیری و پاسخگویی نهادهای دولتی را در حد ضعیف ارزیابی کرده‌اند. ۷۵ درصد جوانان دانشجویان، احساس عدم توانمندی و تاثیرگذاری جوانان بر فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاست‌داران. در نهایت، ارزیابی منفی ۷۰ درصدی از میزان تحقق رکن جمهوریت در نظام سیاسی ایران، هشدار جدی برای سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران سیاسی به شمار می‌رود.

۴-۴. بایسته‌ها یا پیشنهادات دانشجویان جوان برای ارتقای رکن جمهوریت و حقوق شهروندی

| جدول ۸: بایسته‌ها یا پیشنهادات دانشجویان جوان برای ارتقای رکن جمهوریت، مشارکت و جامعه مدنی | | | |
|--|--------------------------------|---------|----------------------------|
| میزان | برای ارتقای مشارکت | میزان | برای ارتقای جمهوریت |
| ۷۲ درصد | آزادی انتخابات و مشارکت بیشتر | ۶۵ درصد | آموزش حقوق شهروندی |
| ۶۳ | افزایش پاسخگویی مسئولان | ۴۸ | ایجاد نهادهای مستقل نظارتی |
| ۵۵ | تقویت سازوکارهای نظارتی | ۵۲ | تسهیل فعالیت‌های مدنی |
| ۴۷ | اصلاح قوانین مرتبط با انتخابات | ۵۸ | افزایش شفافیت اطلاعات |

در سنجه‌های مربوط به پیشنهادات برای ارتقای جمهوریت، یافته‌های این مطالعه میدانی در جدول ۸ نشان می‌دهند که، اصلاح نظام آموزشی با تأکید ۶۵ درصدی به عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارهای ارتقای حقوق شهروندی طرح شده است و پس از آن به ترتیب اهمیت، سایر پیشنهادات عملی عبارتند از: ایجاد و توسعه نهادهای مستقل نظارتی، تسهیل فعالیت‌های مدنی، افزایش شفافیت اطلاعات. مهمترین پیشنهادات جوانان دانشجو برای تقویت مشارکت به عنوان مولفه مهم رکن جمهوریت به ترتیب اهمیت عبارتند از: آزادی انتخابات و مشارکت بیشتر، افزایش پاسخگویی مسئولان، تقویت سازوکارهای نظارتی با ایجاد کمیسیون‌های مستقل و نهادهای نظارتی قوی برای پایش عملکرد مقامات و اصلاح قوانین انتخاباتی (دال، ۱۳۵۰: ۱۲۵).

پیر بوردیو (۱۳۶۵) معتقد است عدم پاسخگویی نخبگان سیاسی به مطالبات مردمی، زمینه‌ساز بحران‌های مشروعیت و گسست نسلی است (بوردیو، ۱۳۶۵: ۸۰). حیوانی سارتوری و سیمور مارتین لیپست بر این باورند که «انتخابات آزاد و منصفانه مهم‌ترین ابزار بازتولید مشروعیت مردمی در نظام‌های جمهوری است» (سارتوری، ۱۳۶۶: ۱۴۵؛ لیپست، ۱۳۶۵: ۱۷۲). اصلاح قوانین انتخاباتی در ایران می‌تواند با افزایش شفافیت در تأیید صلاحیت‌ها، کاهش نظارت استصوابی، تسهیل مشارکت گروه‌های اجتماعی و تضمین تبلیغات برابر، مشارکت سیاسی را افزایش دهد. همچنین برای تقویت جامعه مدنی و تحقق جمهوریت، باید آموزش حقوق مدنی و شهروندی گسترش یابد، موانع بوروکراتیک ثبت سازمان‌های مردم‌نهاد برداشته شود، حمایت مالی و قانونی از این نهادها فراهم گردد و بسترهای آنلاین برای ارتباط و مشارکت اجتماعی ایجاد شود. آنتونیو گرامشی در نظریه هژمونی فرهنگی خود بر اهمیت آگاهی بخشی به اقشار مختلف جامعه تأکید دارد و آن را وسیله‌ای برای مقابله با سلطه ساختارهای قدرت معرفی می‌کند (گرامشی، ۱۳۵۰: ۱۰۳). در پژوهش‌های توسعه مدنی، رابرت پاتنام بر اهمیت نهادهای مدنی در تقویت سرمایه اجتماعی تأکید کرده و بوروکراسی ناکارآمد را عاملی در تضعیف مشارکت مدنی و کاهش اعتماد عمومی می‌داند (پاتنام، ۱۳۷۴: ۱۵۷).

حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران به تضمین حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی و فرهنگی شهروندان اشاره دارد، اما تنها ۴۸ درصد از پاسخ‌دهندگان از میزان تحقق آن رضایت دارند که نشان‌دهنده شکاف بین نظریه و عمل است. محدودیت‌ها در آزادی بیان، اجتماعات و حق انتخاب، همچنین مشکلات اقتصادی مانند بیکاری و تورم، مانع بهره‌مندی کامل از حقوق شهروندی شده‌اند. قوانین محدودکننده به‌ویژه در زمینه حقوق زنان و اقلیت‌ها، و فقدان شفافیت و عدالت قضائی، به کاهش اعتماد عمومی منجر شده است. همچنین، نهادهای نظارتی مستقل و نهادهای مدنی با مشکلات قانونی و مالی مواجه‌اند و فضای فعالیت‌شان محدود شده است. گزینه ترکیب جمهوریت و اسلامیت در جمهوری اسلامی، مورد تردید ۴۹ درصد پاسخ‌دهندگان بود.

۵. تحلیل و بحث

الف) تحول نگرش‌های نسلی: فردیت‌یافتگی و برساخت مدنی

نسل‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ فراتر از چارچوب‌های حقوقی ایستا، به بازتعریف هویت و سبک زندگی خود پرداخته‌اند. ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان سبک زندگی را بر اساس ترجیحات فردی تعریف می‌کنند و ۸۰ درصد خواهان مشارکت و شنیده شدن در تصمیم‌گیری‌ها هستند. این روند نشان‌دهنده فردیت‌یافتگی و ظهور عاملیت انتقادی و مدنی در نسل جدید است که با ساخت قدرت در تعارض قرار دارد.

ب) ذهنیت انتقادی نسبت به قانون اساسی و حقوق شهروندی

جوانان نسبت به قانون اساسی نگرشی ترکیبی دارند؛ پذیرش نسبی اصول حقوق ملت همراه با نارضایتی از فاصله میان اصول و اجرا. تنها ۴۵ درصد به کفایت اصول حقوق ملت باور دارند، اما ۶۵ درصد امید به اصلاح از درون ساختارها دارند و ۷۵ درصد خواهان اصلاح زمانمند قانون اساسی هستند. ۷۸ درصد نیز بر ضرورت نهادینه‌سازی حقوق شهروندی تأکید دارند، اما اعتماد به تحقق جمهوریت در ساختار موجود در حال کاهش است.

ج) منابع اثرگذار و تضعیف مشارکت مدنی

رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های خارجی در شکل‌گیری ارزش‌های دموکراتیک جوانان نقش مهمی دارند، اما ضعف پاسخگویی و نظارت نهادهای حکومتی و تجربه بی‌تأثیری در تصمیم‌گیری، مشارکت رسمی را کاهش داده و به کنشگری غیررسمی و اعتراضات خیابانی منجر شده است. این مشارکت‌ها غالباً بدون نهادهای واسط و در شرایط سرکوب، به «مشارکت بی‌قدرت» و بیگانگی سیاسی می‌انجامد.

د) بایسته‌ها و آینده جمهوریت: وفاداری مشروط به عملکرد

وفاداری نسل جوان به جمهوریت مشروط به عملکرد نهادهای حکمرانی است. برخی جمهوریت را آرمانی اصلاح‌پذیر می‌دانند و برخی دیگر خواهان «عبور انتقادی» از وضعیت فعلی‌اند. خواست اصلی، بازتعریف جمهوریت بر پایه شفافیت، تفکیک نهادهای انتصابی و انتخابی و افزایش پاسخگویی است. در غیاب اصلاحات ساختاری، نظام سیاسی با بحران مشروعیت و انباشت نارضایتی مواجه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

عبور از بحران مشروعیت و بازسازی اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران، نیازمند مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری و نهادی در سطوح مختلف نظام حکمرانی است. این بحران نه تنها ناشی از ناکارآمدی اقتصادی و محدودیت‌های سیاسی است، بلکه ریشه در شکاف‌های عمیق میان حکومت و جامعه، تضعیف نهادهای میانجی، و زوال ظرفیت‌های دموکراتیک نظام دارد. در چنین بستری، بازسازی پیوند دولت-ملت و احیای جمهوریت مستلزم اراده‌ای جمعی، گفت‌وگویی جدید در حکمرانی، و مجموعه‌ای از اقدامات بنیادین در جهت بازآرایی روابط قدرت و تقویت مشارکت مدنی است.

یکی از الزامات کلیدی این بازسازی، تجدیدنظر در سازوکار نظارت استصوابی شورای نگهبان است. این موضوع از آن جهت در این پژوهش مطرح شده که یافته‌های میدانی نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از جوانان دانشجوی، سازوکارهای انتخاباتی موجود را به‌عنوان عامل محدودکننده رقابت سیاسی و کاهش حق انتخاب مردم تلقی می‌کنند. به عبارت دیگر، نقد شورای نگهبان در این مطالعه نه یک مبحث نظری یا سیاسی خارج از داده‌ها، بلکه بازتاب مستقیم ادراک نسل جوان از انسداد سیاسی و محدودیت‌های نهادهای نمایندگی است. در این پژوهش، جوانان این سازوکار را نمادی از فاصله میان اصول قانون اساسی و تجربه واقعی مشارکت سیاسی می‌دانند؛ فاصله‌ای که به کاهش اعتماد به نهادهای جمهوریت و افزایش حس بی‌اثر بودن در تصمیم‌گیری‌های سیاسی منجر شده است. بنابراین، تجدیدنظر در این سازوکار، از منظر این پژوهش، به معنای کاهش مانع ساختاری بر سر راه رقابت و نمایندگی سیاسی و افزایش «احساس مالکیت عمومی» نسبت به فرآیندهای انتخاباتی است.

تقویت و تضمین استقلال نهادهای مدنی (انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، نهادهای صنفی و سازمان‌های غیردولتی) ضروری است، زیرا این نهادها به‌عنوان واسطه بین جامعه و دولت می‌توانند مطالبات را منتقل، افکار عمومی را شکل دهند و دموکراسی مشارکتی را تقویت کنند. احیای آن‌ها مستلزم رفع محدودیت‌های قانونی، امنیتی و مالی است. همچنین تضمین آزادی بیان و رسانه‌های مستقل برای ایجاد فضای عمومی سالم و تقویت پاسخگویی و جلوگیری از فساد و تصمیم‌گیری‌های غیرشفاف ضروری است.

در غیاب رسانه‌های منتقد و شفاف، امکان شکل‌گیری گفت‌وگوی اجتماعی و اصلاح تدریجی ساختار قدرت از بین می‌رود. از سوی دیگر، مبارزه نظام‌مند و ساختاری با فساد - به‌ویژه در سطوح بالای قدرت - باید به یک اولویت اساسی بدل شود. فساد نه تنها منابع عمومی را تخریب می‌کند، بلکه سرمایه اجتماعی را فرسوده، احساس بی‌عدالتی را تقویت کرده و مشروعیت نظام را به‌طور جدی تضعیف می‌سازد. مبارزه با فساد نیازمند نهادهای نظارتی مستقل، قضایای شفاف، حمایت از افشاگران و تضمین گردش آزاد اطلاعات است.

در بُعد اقتصادی، بهبود معیشت عمومی و مقابله با نابرابری‌های ساختاری، نقشی محوری در بازسازی اعتماد عمومی ایفا می‌کند. بحران‌های اقتصادی مزمن، همراه با بی‌ثباتی و فقدان چشم‌انداز روشن، نه تنها ظرفیت کنشگری سیاسی نسل جوان را کاهش داده بلکه آن‌ها را به سوی انزوا، مهاجرت یا طرد اجتماعی سوق داده است. توسعه اقتصادی پایدار و عادلانه می‌تواند افق مشارکت سیاسی را گسترش داده

و از فرسایش اجتماعی جلوگیری کند. همچنین، گشودن فضای گفت‌وگو و تعامل میان گروه‌های سیاسی، اجتماعی و قومی مختلف از الزامات اساسی تقویت جمهوریت است. در یک نظام سیاسی سالم، امکان تضارب آرا و گفت‌وگوی انتقادی باید فراهم باشد تا جامعه بتواند از طریق سازوکارهای دموکراتیک، مسائل و مطالبات خود را پیگیری کند.

نسل جوان به‌عنوان موتور تحول اجتماعی و سیاسی، نیازمند سرمایه‌گذاری ساختاری است؛ زیرا مشارکت فعال آنان نه تنها افزایش حضور سیاسی است، بلکه سرمایه‌گذاری در شکل‌گیری آینده‌ای دموکراتیک و متکثر محسوب می‌شود. این مشارکت در بستر جامعه‌شناختی، نشانگر پیوند میان عاملیت فردی و ساختار سیاسی است؛ وقتی ساختارهای آموزشی، فرهنگی و امنیتی فضای کنشگری را محدود کنند، جوانان به‌ناچار به حاشیه رانده شده و ناراضی‌تری جمعی انباشت می‌شود. از این رو، ایجاد فضای آزاد دانشگاهی، حذف برخوردهای امنیتی با کنش مدنی و تضمین حقوق فرهنگی و سیاسی، شرط لازم برای بازتولید سرمایه اجتماعی و مشروعیت سیاسی است. در نتیجه، جمهوریت به‌عنوان گفتمانی زنده، تنها زمانی تداوم می‌یابد که عناصر ساختاری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به‌صورت هماهنگ بازآرایی شوند و نظام به سمت گشودگی، پاسخگویی و عدالت اجتماعی حرکت کند. در غیر این صورت، انباشت ناراضی‌تری، واگرایی نسلی و تضعیف مشروعیت، انسجام ملی و ثبات سیاسی را به مخاطره خواهد انداخت.

منابع

- باقی، عمادالدین (۱۳۸۲)، حق حیات: مجموعه مقالاتی درباره حقوق بشر و دموکراسی در ایران. تهران: نشر سرائی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، نظریه‌های دولت در ایران. تهران، نشر نی.
- بیات، آصف (۱۳۹۴)، زندگی همچون سیاست: چگونه مردم عادی خاورمیانه را تغییر می‌دهند. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: نشر کویر
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جوامع صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- پناهی، مهدی (۱۳۹۳)، بررسی جامعه‌شناختی شکاف نسلی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران. فصلنامه مطالعات جوانان، ۴(۱۱).
- توسلی، غلام عباس، حسینی، سید محمود (۱۳۸۳)، «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲.
- دیاموند، لاری (۱۳۸۴)، «مردم دموکراسی را چگونه می‌بینند»، در مجموعه مقالات گذار به دموکراسی (به اهتمام حسین بشیریه)، ترجمه منصور انصاری چاپ دوم، تهران، نگاه معاصر.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱)، «تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۹)، «هابرماس: فلسفه سیاسی نظم گفتگویی»، رهیافت‌های سیاسی

- و بین‌المللی، شماره ۲۴، زمستان.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۶)، دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، چاپ دوم، ترجمه جمال محمدی، تهران، افکار.
 - هانتیگتون، سموئل (۱۳۷۵)، موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شهسا، تهران، روزنه.
 - جزایی، محدثه (۱۴۰۱)، سلامیت، جمهوریت و مسئله مشروعیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه حقوق عمومی، ۲۵(۷۷)، ۹۵-۱۱۶.
 - دبیرنیا، علیرضا (۱۴۰۱)، بازخوانی ساخت قدرت در فرآیند تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: تقابل دولت موقت با مجلس خبرگان قانون اساسی. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۱(۱)، ۲۷-۵۲.
 - رضایی، امیررضا (۱۴۰۰)، نقش گفتمان‌های سیاسی در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 - فارسی، حسن، و کوه‌شاهی، سعید (۱۴۰۰)، نقش ساختار قدرت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: بررسی تطبیقی پیش‌نویس دولت موقت و مصوبه مجلس خبرگان. پژوهش حقوق عمومی، ۲۳(۲)، ۱۱۱-۱۳۸.
 - فریره، پائولو (۱۳۹۷)، آموزش ستمدیدگان. ترجمه فریدون شاپان. تهران: نشر طلایه.
 - قلفی، محمد وحید (۱۴۰۰)، سیاست‌نامه انقلاب: پژوهشی در مبانی اندیشه سیاسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر نی.
 - مهرابین، مصطفی (۱۴۰۱)، سل جوان و دگرگونی‌های ذهنی و ارزشی پس از جنبش مهسا. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
 - یوسفی، علیرضا (۱۳۹۸)، مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران: مبانی، چالش‌ها و چشم‌اندازها. فصلنامه سیاست، ۵۰(۲)، .
 - خواجه نایینی، علی (۱۴۰۲)، بررسی ابعاد و ملاحظات مرتبط با مشارکت مردمی در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۵(۲)، ۱۶۱-۱۸۶.
 - اطاعت، جواد و حمیدرضا نصرتی (۱۴۰۲)، جغرافیای نظام‌های انتخاباتی و نظام انتخاباتی ایران. فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی (علمی-پژوهشی).

References

- Anderson, J., et al. (2021), Generational gaps in political media use and civic engagement from Baby Boomers to Generation Z. London: Routledge.
- Baqi, E. (2003), Haqq-e Hayat: Majmooeh Maqalat Darbareh Hoquq-e Bashari va Democracy dar Iran [The Right to Life: A Collection of Essays on Human Rights and Democracy in Iran]. Tehran: Nashr-e Sarai. (In Persian)
- Bashiriyeh, H. (2001), Nazariyeh-ha-ye Dowlat dar Iran [Theories of State in Iran]. Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian)
- Bayat, A. (2015), Zendege Hamchon Siyasat: Cheguneh Mardom-e Adi Khavarmiyaneh ra

- Taghyir Midahand [Life as Politics: How Ordinary People Change the Middle East] (M. T. Delfaruz, Trans.), Tehran: Nashr-e Kavir. (In Persian)
- Boutros-Ghali, B. (1996), An agenda for democratization. United Nations.
 - Dabirniya, A. (2022), Bazkhani Sakht-e Qodrat dar Farayand-e Tadvin-e Qanun-e Assasi-ye Jomhuri-ye Eslami-ye Iran... [Rereading the Structure of Power in the Process of Drafting the Constitution of the Islamic Republic of Iran...]. Fasnameh-ye Motale'at-e Hoquq-e Omumi [Quarterly Journal of Public Law], 51(1), 27–52. (In Persian)
 - Diamond, L. (2005), Mardom Democracy ra Cheguneh Mibinand [How People See Democracy]. In H. Bashiriyeh (Ed.), Gozar beh Democracy [Transition to Democracy] (M. Ansari, Trans.; 2nd ed.). Tehran: Negah-e Moaser. (In Persian)
 - Diamond, Larry. (1994) (ed), Political culture and Democracy in Developing Countries, London, Lyn Reiner Publications.
 - Farsi, H., & Kushahi, S. (2021), Naqsh-e Sakhtar-e Qodrat dar Tadvin-e Qanun-e Assasi-ye Jomhuri-ye Eslami-ye Iran... [The Role of the Power Structure in Drafting the Constitution of the Islamic Republic of Iran...]. Pazhuhesh-e Hoquq-e Omumi [Public Law Research], 23(2), 111–138. (In Persian)
 - Freire, P. (2018), Amuzesh-e Setam-didegan [Pedagogy of the Oppressed] (F. Shayan, Trans.). Tehran: Nashr-e Talayieh. (In Persian)
 - Giddens, A. (1991), Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age. Stanford University Press.
 - Giddens, A. (2007), Jame'eh-Shenasi [Sociology] (M. Saburi, Trans.), Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian)
 - Habermas, J. (1984), The theory of communicative action: Reason and the rationalization of society (Vol. 1, T. McCarthy, Trans.). Beacon Press. (Original work published 1981)
 - Habermas, J. (2007), Degarguni-ye Sakhtari-ye Howzeh-ye Omumi [The Structural Transformation of the Public Sphere] (J. Mohammadi, Trans.; 2nd ed.). Tehran: Afkar. (In Persian)
 - Held, David. (1987), Political Theory and the Modern State, UK. British library Category.
 - Huntington, S. P. (1996), Mowj-e Sevvom-e Democracy [The Third Wave of Democratization] (A. Shahsa, Trans.), Tehran: Rowzaneh. (In Persian)
 - Inglehart, R. (1988), "The Renaissance of Political Culture" American Political Science Review, Vol. 82, No.4.
 - Inglehart, R. (1994), Tahavvol-e Farhangi dar Javaame'-e Sanati [Cultural Change in Advanced Industrial Society] (M. Vetar, Trans.). Tehran: Entesharat-e Kavir. (In Persian)
 - Inglehart, R. (1997), Modernization and postmodernization: Cultural, economic, and political change in 43 societies. Princeton University Press.
 - Inglehart, R., & Welzel, C. (2005), Modernization, cultural change, and democracy: The human development sequence. Cambridge University Press.
 - Jazaei, M. (2022), Eslamiyyat, Jomhuriyyat va Mas'aleh-ye Mashru'iyat dar Qanun-e Assasi-ye Jomhuri-ye Eslami-ye Iran [Islamism, Republicanism, and the Issue of Legitimacy in the Constitution of the Islamic Republic of Iran]. Pazhuheshnameh-ye Hoquq-e Omumi [Public Law Research Journal], 25(77), 95–116. (In Persian)
 - Lane, Jun Erike & Ersson, Savante. (2003), Democracy, London, Routledge
 - Lerner, Daniel. (1958), The Passing of Traditional Society, USA, the free press.
 - Mannheim, K. (1952), Essays on the sociology of knowledge (P. Kecskemeti, Ed. & Trans.).

- Routledge & Kegan Paul.
- Mehraein, M. (2022), Nasl-e Javan va Degarguni-ha-ye Zehni va Arzeshi pas az Jonbesh-e Mahsa [The Young Generation and Mental and Value Transformations after the Mahsa Movement]. Tehran: Pazhuheshgah-e Olum-e Ensani. (In Persian)
 - Nejati Hosseini, S. M. (2010), Habermas: Falsafeh-ye Siyasi-ye Nazm-e Goftoguyi [Habermas: The Political Philosophy of the Conversational Order]. Rahyaft-ha-ye Siyasi va Beyn-al-Melali [Political and International Approaches], (24). (In Persian)
 - Panahi, M. (2014), Barrasi Jame'eh-Shenakhti-ye Shakaf-e Nasli dar Beyn-e Danesjuyan-e Daneshgahha-ye Shahr-e Tehran [Sociological Study of Generational Gap among University Students in Tehran]. Fasnameh-ye Motale'at-e Javanan [Quarterly Journal of Youth Studies], 4(11), (In Persian)
 - Qolfi, M. V. (2021), Siyasatnameh-ye Enqelab: Pazhuheshi dar Mabani-ye Andisheh-ye Siyasi-ye Qanun-e Assasi-ye Jomhuri-ye Eslami-ye Iran [The Political Treatise of the Revolution: Research on the Foundations of the Political Thought of the Constitution of the Islamic Republic of Iran]. Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian)
 - Rezaei, A. R. (2021), Naqsh-e Goftemānha-ye Siyasi dar Tadvin-e Qanun-e Assasi-ye Jomhuri-ye Eslami-ye Iran [The Role of Political Discourses in Drafting the Constitution of the Islamic Republic of Iran]. Tehran: Entesharat-e Pazhuheshgah-e Farhang va Andisheh-ye Eslami. (In Persian)
 - Shiyani, M. (2002), Tahlili Jame'eh Shenakhti az Vaz'iiyat-e Shahrivandi dar Lorestan [A Sociological Analysis of the Status of Citizenship in Lorestan]. Majalleh-ye Anjoman-e Jame'eh Shenasi-ye Iran [Journal of the Iranian Sociological Association], (3). (In Persian)
 - Stoker, G. (2014), Why politics matters: Making democracy work. Palgrave Macmillan
 - Tavassoli, G. A., & Hosseini, S. M. (2004), Vaqe'iiyat-e Ejtema'i-ye Shahrivandi dar Iran [The Social Reality of Citizenship in Iran]. Majalleh-ye Jame'eh Shenasi-ye Iran [Iranian Sociology Journal], 5(2), (In Persian)
 - Vanhanen, Tatu. (2003), Democratization, London, Routledge.
 - Yousefi, A. R. (2019), Mardomsalari-ye Dini dar Jomhuri-ye Eslami-ye Iran; Mabani, Chalesh-ha va Cheshm-andazh-ha [Religious Democracy in the Islamic Republic of Iran; Foundations, Challenges, and Prospects]. Fasnameh-ye Siyasat [Quarterly Journal of Politics], 50(2). (In Persian)